

## تفاوت زنان و مردان در ارتباطات جهت گیری ارزشی شخصی و علاقه مندی به پول با باورهای دنیای عادلانه و نا عادلانه

دکتر محسن گل پرویز\*

### چکیده

این پژوهش با هدف تحلیلی بر تفاوت ارتباطات جهت گیری ارزشی شخصی و علاقه مندی به پول با باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه در زنان و مردان در شهر اصفهان به مرحله اجرا در آمد. از جامعه آماری شهر اصفهان، ۵۹۶ نفر (۲۹۹ مرد و ۲۹۷ زن) برای پاسخ گویی به پرسشنامه‌های پژوهش انتخاب شدند. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش شامل پرسشنامه ۲۰ سؤالی دنیای عادلانه و ناعادلانه، پرسشنامه ۱۷ سؤالی علاقه مندی به پول پرسشنامه چهار سؤالی اخلاق کاری و بالاخره پرسشنامه جهت گیری ارزشی شخصی با ۲۰ سؤال بوده است.

داده‌های حاصل از ضریب همبستگی حاکی از آن بود که باورهای دنیای عادلانه در مردان با هر چهار زیر مقیاس مربوط به پول و جهت گیری ارزشی شخصی دارای رابطه معنادار است اما در زنان صرفاً با موفقیت (زیر مقیاس دوم علاقه مندی به پول) و با پیشرفت (زیر مقیاس دوم جهت گیری ارزشی شخصی) دارای رابطه معنادار بود. نتایج بررسی تفاوت همبستگی‌ها نشان داد که رابطه اهمیت برای پول و غنی بودن با باورهای دنیای عادلانه مردان بطور معناداری از این رابطه در زنان بالاتر است. باورهای دنیای ناعادلانه نیز در مردان با تمامی ابعاد علاقه مندی به پول و جهت گیری ارزشی شخصی دارای رابطه منفی و معنادار بود اما در زنان صرفاً با اهمیت، موفقیت و برانگیزانندگی دارای رابطه منفی و معنادار بود. نتایج بررسی رابطه اخلاق کاری و علاقه به پول و جهت گیری

\* استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد خوراسگان (اصفهان)

ارزشی شخصی حاکی از آن بود که موفقیت و غنی بودن (دو زیر مقیاس علاقه مندی به پول) و پیشرفت و قدرت (دو زیر مقیاس جهت گیری ارزشی شخصی) در زنان و مردان دارای همبستگی متفاوتی است.

**واژه‌های کلیدی:** علاقه مندی به پول، جهت گیری ارزشی شخصی، اخلاق کاری، باورهای دنیای عادلانه، باورهای دنیای ناعادلانه.



#### • مقدمه

جانوف- بولمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) باورهای افراد یا انسانها در باب عدالت را از زمره باورهای بنیادین در باب دنیا و انسانها می‌داند. این باورها گاهی موضوعات اجتماعی، گاهی سیاسی، گاهی اقتصادی و گاهی نیز به طور کلی باورهای مربوط به دنیا را به عنوان مکانی سرشار از عدالت یا بی عدالتی دربر می‌گیرند (گل پرور و عریضی، ۱۳۸۳؛ عریضی و گل پرور ۱۳۸۴؛ عریضی و گل پرور، ۱۳۸۵).

لرنر<sup>۲</sup> قریب به چهار دهه پیش از نیازی سخن به میان آورد که ابتدا با عنوان فرضیه دنیای عادلانه و به دنبال آن با گسترش تحقیقات به عنوان نظریه دنیای عادلانه مطرح شد (لرنر، ۱۹۸۰؛ لرنر و میلر<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸). در واقع نیازی که لرنر از آن سخن به میان آورد دارای این درون مایه بود که انسانها به این که در دنیایی زندگی می‌کنند که افراد خوب به نتایج خوب و افراد بد به نتایج بد دست پیدا می‌کنند نیازی مبرم و اساسی دارند. در واقع این نیاز بیشتر حول این تفکر دور می‌زند که شایستگی و لیاقت ملاکهای اصلی برای وقوع یا عدم وقوع حوادث و پیامدها هستند. این ایده پس از طرح، گستره وسیعی از تحقیقات آزمایشی و غیر آزمایشی (فرنهام<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳) را جهت دهی نمود که کماکان ادامه دارد.

از همان آغاز و پس از طرح نظریه دنیای عادلانه سؤال محوری همواره این بود که نیاز انسانها به باور به دنیایی عادلانه از کجا نشأت می‌گیرد؟ به عبارت دیگر سؤال اساسی توسط

<sup>1</sup> - Janoff – bulman.

<sup>2</sup> - Lerner.

<sup>3</sup> - Lerner & Miller.

<sup>4</sup> - Furnham

محققان این بود که باور به دنیایی عادلانه از نظر ساختار روانی و رفتاری انسانها چه کارکردهایی برای انسانها دارد؟ این سؤال و سؤالات مشابه در حقیقت هم از نظریات اولیه در باب دنیای عادلانه و هم از نتایج برخی تحقیقات نشأت می گرفت. تحقیقات توماکا و بلاسکوویچ<sup>۱</sup> (۱۹۹۴)، لایپکوس و زیگلر<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) و بگیو<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) حاکی از آن بود که اگر افراد از طریق حوادث و رخدادهایی که با آنها مواجه می شوند احساس کنند که باورهایشان زیر سؤال رفته به اشکال مختلف سعی در تقویت این باورها می کنند.

برای نمونه وقتی افرادی که به دنیای عادلانه اعتقاد نیرومندی دارند با حوادث و رخدادهایی نظیر قربانی شدن افراد در جرایم جنسی و غیر جنسی مواجه می شوند که آشکارا تهدیدی برای باورهای دنیای عادلانه آنهاست، به جای تغییر این باور، شاهد توجیه و ارائه دلایلی مبنی بر سرزنش قربانی یا قربانیان به عنوان کسانی که خود مقصر وقوع این حوادث بوده اند هستیم. این نتایج مؤید چیزی جز نیرومندی این باورها و نیاز زیر بنایی ناشی از آن نیست. اما این نیرو و توان از کجا ناشی می شود؟ با احتمال زیاد از کارکردهایی که این نوع باورها دارند.

چهار دهه تحقیق مؤید حداقل سه کارکرد برای باورهای دنیای عادلانه است:

(۱) این باورها به سان یک قرارداد شخصی بین افراد با دنیای پیرامون است که آنها را ملزم می کند تا رفتارهای منصفانه انجام دهند.

(۲) نوعی اطمینان خاطر به افراد می دهد که براساس اصل مبادله اجتماعی در صورت رفتار به شیوه منصفانه و عادلانه دیگران نیز با آنها به شیوه منصفانه رفتاری کنند و در عمل آنها قربانی حوادث ناگهانی و غیر قابل پیش بینی نمی شوند.

(۳) این باورها همانند یک مرجع مفهومی و داوری عمل می کند و به افراد در مسیر زندگی و حوادث آن کمک می کند تا حوادث را منطقی توجیه یا تلقی کنند.

توجه به همین سه کارکرد در واقع تا اندازه ای به این که چرا انسانها تا این اندازه به مراقبت و محافظت از باورهای دنیای عادلانه خود می پردازند پاسخ می دهد. در عین حال

<sup>۱</sup> - Tomaka & Blascovitch.

<sup>۲</sup> - Lipkus & Siegler.

<sup>۳</sup> - Begue.

شواهدی در دست است که نشان می دهد باورهای دنیای عادلانه با شاخص های متعددی نظیر رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و سلامت روانی رابطه دارد (گل پرور و جوادی، ۱۳۸۶؛ گل پرور، کامکار و جوادی، ۱۳۸۶). از طرف دیگر با ضعیفتر شدن باورهای دنیای عادلانه گرایشات افسردگی، اضطراب و مشکلات روانشناختی پدید می آید (گل پرور و سجادیان، ۱۳۸۷؛ سجادیان و گل پرور، ۱۳۸۷). از طرف دیگر چالشهایی که از بررسی بر روی باورهای دنیای عادلانه سربر آورده حاکی از آن است که در کنار باورهای دنیای عادلانه، باورهای مستقل دنیای ناعادلانه نیز مطرح است (فرنهام و پروکتر ۱۹۸۹؛ لو ۲۰۰۲؛ گل پرور ۱۳۸۶ الف). در این راستا فرنهام و پروکتر (۱۹۸۹) بر این باورند که باور به دنیای عادلانه در واقع گویای تلقی دنیا به عنوان مکانی دارای نظم و وجود نوعی تعهد برای انجام رفتارهای مطلوب انسانی و اجتماعی است. در حالی که باور به دنیای ناعادلانه نه تنها دارای درون مایه نظری تلقی دنیا به عنوان مکانی سرشار از نظم و تربیت و قاعده نیست، بلکه تلویحاً دارای این مفهوم است که امور دنیوی براساس هیچ قاعده ای نمی باشد که بر پایه آن درون داد و برون دادها برای افراد دارای تناسب باشد. شواهد تحقیقی در این حوزه نیز گویای آن است که باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه از طریق شاخصها و ویژگیهای روانشناختی متفاوتی قابل پیش بینی است (گل پرور و سجادیان ۱۳۸۷؛ سجادیان و گل پرور ۱۳۸۷). در عین حال مفهوم سازی های اولیه در باب دنیای عادلانه (رابین و پیلاو<sup>۱</sup> ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵) حاکی از آن بوده است که دنیا مکانی است که در آن شایستگی و سرنوشت<sup>۲</sup> به یکدیگر گره خورده اند. به عبارت دیگر هر چه افراد شایستگی بیشتری داشته باشند سرنوشت و یا پیامدهای دنیایی که نصیب آنها می شود باید بیشتر باشد (مودراک<sup>۳</sup> ۲۰۰۵). در اینکه ملاک و معیار شایستگی و حتی سرنوشت (در مفهوم نتیجه و پیامد نهایی) چیست، اختلاف نظرهایی به چشم می خورد. در بسیاری از جوامع افراد بر حسب نظام ارزشی حاکم بر جامعه امور را مورد داوری قرار می دهند. در حوزه ارزشهای اقتصادی